

▼ تولی‌گری غیر قانونی برای حوزه‌ای نوپا

حوزه دیگری که آن‌هم به‌خصوص در یکی دوماه گذشته بسیار خبرساز شده و توجه‌ها را جلب کرده، پلتفرم‌های خرید و فروش آنلاین طلای آب‌شده است. در روزهای ابتدایی جنگ این کسب‌وکارهای بازار، با چالشی جدی از سوی بانک مرکزی مواجه شده شدند. در اواخر خردادماه ۱۴۰۴ با مسدود شدن درگاه‌های پرداخت تعدادی از پلتفرم‌های محبوب فروش آنلاین طلا زده شد. این اقدام ناگهانی که بدون اطلاع قبلی صورت گرفت، عملاً به توقف فعالیت‌های اصلی این پلتفرم‌ها از جمله واریز و برداشت وجه توسط کاربران منجر شد و دارایی‌های بسیاری از سرمایه‌گذاران را در این سامانه‌ها قفل کرد.

بانک مرکزی تاکنون به‌طور رسمی و علنی دلایل اصلی خود برای وضع محدودیت بر پلتفرم‌های آنلاین طلا را اعلام نکرده، با این حال نزدیک‌ترین حدس و احتمالی که می‌توان بیان کرد، مقابله با خالی‌فروشی و پولشویی و کنترل بازار طلا و ارز است. همان مواردی که مسئولان بانک مرکزی معمولاً در شرایط بحرانی به آن استناد می‌کنند و تا حدود زیادی نیز مشابه‌الگوی رفتاری با پلتفرم‌های رمزارزی است. در شرایطی که انتظار می‌رفت درگاه‌های پلتفرم‌ها با شروع آتش‌بس و آغاز به کار بازار سرمایه بازگشایی شوند، این نهاد به یکباره شروط پنج‌گانه‌ای را برای این پلتفرم‌ها تعیین کرد: اول اینکه پلتفرم‌هابرای تمامی طلای فروخته‌شده خود به‌صورت کامل و لحظه‌ای در بانک کارگشایی پشتوانه داشته باشند و ظرف مدت سه‌ماه به شمش استاندارد تبدیل کنند. دوم اینکه کیف پول الکترونیکی پلتفرم‌ها باید به یک حساب بانکی مشخص متصل باشد تا رابطه یک به یک میان موجودی کاربران و حساب بانکی پلتفرم برقرار شود. شرط سوم این است که همه معاملات در سامانه ثبت معاملات سامانه جامع تجارت ثبت شوند. چهارمین الزام این است که حساب کاربرانی که می‌خواهند دارایی‌شان را بفروشند حداکثر ظرف ۴۸ ساعت کاری تسویه شود. پنجمین شرط هم این است که پلتفرم‌ها تأییدیه‌های امنیتی را از پلیس فتا بگیرند.

این نخستین بار نیست که چنین قاعده‌گذاری‌هایی از سوی بانک مرکزی برای پلتفرم‌های طلا وضع می‌شود. طبق قانون متولی اصلی رسیدگی به مسائل پلتفرم‌های طلا، اتحادیه کشوری کسب‌وکارهای مجازی است اما با تفسیر یک‌سویه از قانون و پیش کشیدن موضوعاتی مانند امنیت ملی، در این حوزه نیز اعمال نفوذ و قدرت می‌کند.

فعالان بازار طلای آنلاین معتقدند رویه‌ای که بانک مرکزی در پیش گرفته منجر به وارد شدن لطمه‌های جدی به کسب‌وکارهای این حوزه شده است. کسب‌وکارهای حوزه طلای آب‌شده مجوزهای لازم را از سازمان‌ها و نهادهای نظارتی و انتظامی و امنیتی و همین‌طور اتحادیه‌های تخصصی گرفته‌اند و همواره نیز گزارش‌های عملکرد شفاف خود را منتشر می‌کنند، با این حال هیچ‌یک از این موضوعات مانع از دخالت‌های نهادهایی مانند بانک مرکزی نمی‌شود.

از همه مهم‌تر این است که بنا به دلایلی که کاملاً هم علنی نشده، تاکنون چار چوب قانونی مشخص و مدون برای فعالیت پلتفرم‌های آنلاین طلا مشخص نشده است. از بهمن‌ماه سال گذشته که انتخابات هیئت‌رئیس اتحادیه کشوری کسب‌وکارهای مجازی برگزار شد، اولین دستور کار این اتحادیه تعیین ضوابط فعالیت پلتفرم‌های آنلاین طلا بود که وعده‌های داده‌شده ظرف ۵۰ روز نهایی و به‌تصویب برسد که تاکنون چنین نشده است.

نبود یک رگولاتور واحد در سطحی دیگر به افزایش نهادهای تصمیم‌گیر مانند بانک مرکزی و بر خوردهای سلیقه‌ای و ناگهانی آن و ناامن شدن فضای کسب‌وکار پلتفرم‌های آنلاین طلا منجر می‌شود. روشن است یک وجه عینی چنین وضعیتی در معرض خطر قرار گرفتن هزاران شغل مستقیم و غیر مستقیم در زنجیره تأمین صنعتی نوپا و در نهایت خدشه‌دار شدن اعتماد عمومی است.

▼ بورس آز مونی برای استقلال

تحولات اخیر پیرامون ورود استارت‌آپ‌ها به بازار سرمایه و حاشیه‌هایی که شرکت‌هایی مانند دیوار، دیجی کالا، تپسی و کافه‌بازار تجربه کرده‌اند، تصویر نگران‌کننده‌ای از موقعیت نهادهای قانونی در برابر مداخلات فرامنشوری به‌دست می‌دهد. در شرایطی که سازمان بورس باید بر مبنای شاخص‌های تخصصی، شفافیت مالی و الزامات قانونی تصمیم‌گیری کند، نشانه‌هایی از تأثیرگذاری نهادهای غیرپاسخ‌گو در فرآیند پذیرش شرکت‌ها دیده می‌شود؛ نشانه‌هایی که به‌وضوح اصل استقلال رگولاتور را زیر سؤال می‌برد.

در چنین بستری، حفظ اعتماد عمومی به بازار سرمایه بیش از هر زمان دیگری بر رفتار شفاف و قاطع نهاد ناظر بستگی دارد. بورس باید صراحتاً از مرزهای اختیارات قانونی خود دفاع کند، معیارهای رد یا پذیرش شرکت‌ها را به‌صورت شفاف اعلام کند و از تبدیل شدن به ابزار حذف غیرقاباتی کارآفرینان و مالکان کسب‌وکارها جلوگیری کند. اگر معیارهای نانوشته، فشارهای غیررسمی و ملاحظات امنیتی جای الزامات قانونی و مالی را بگیرند، بازار سرمایه عملاً از نقش توسعه‌ای در زنجیره تأمین صنعتی نوپا و در نهایت خدشه‌دار سیاسی مالکیت در اقتصاد بدل می‌شود.

اعتماد سرمایه‌گذاران، کارآفرینان و حتی سهامداران خرد به این نهاد، در گرو حفظ استقلال آن است. سازمان بورس

تحولات اخیر پیرامون

ورود استارت‌آپ‌ها

به بازار سرمایه و

حاشیه‌هایی که

شرکت‌هایی مانند

دیوار، دیجی کالا،

تپسی و کافه‌بازار

تجربه کرده‌اند،

تصویرنگران‌کننده‌ای

از موقعیت نهادهای

قانونی در برابر

مداخلات فرامنشوری

به‌دست می‌دهد.

در شرایطی که

سازمان بورس باید

بر مبنای شاخص‌های

تخصصی، شفافیت

مالی و الزامات

قانونی تصمیم‌گیری

کند. نشانه‌هایی از

تأثیرگذاری نهادهای

غیر پاسخ‌کو در

فرآیند پذیرش

شرکت‌ها دیده

می‌شود: نشانه‌هایی

که به‌وضوح اصل

استقلال رگولاتور را

زیر سؤال می‌برد



باید نشان دهد که نهاد قانونی باقی مانده و نه صرفاً مجری الزامات غیررسمی. آزمون دیوار، دیجی کالا و تپسی، تنها درباره این شرکت‌ها نیست؛ بلکه درباره آینده بازار سرمایه، اصل مالکیت خصوصی و جایگاه نهاد قانون در اقتصاد ایران است. اگر رگولاتور در این آزمون مردود شود، پیامد آن فراتر از شکست چند عرضه اولیه خواهد بود؛ این شکست، ضربه‌ای به ایده اقتصاد مبتنی بر نوآوری است.

▼ فرصتی برای ساختن یا مانعی بر سر راه؟

علی سمساریلر، فعال حوزه استارت‌آپ و

نوآوری در گفت‌وگو با «هم‌میهن» توضیح داد: در اقتصادهای پیشرفته، بازار سرمایه دیگر صرفاً مکانی برای مبادله سهام شرکت‌های بالغ نیست؛ بلکه به موتور محرکه‌ای برای رشد، نوآوری و خلق ثروت در عصر دیجیتال بدل شده است. بورس‌هایی چون نزدک، نیویورک، لندن و شانگهای، سال‌هاست که با استقبال از شرکت‌های نوپا، مسیر توسعه اقتصادهایشان را به سمت فناوری، خلاقیت و آینده‌سازی هدایت کرده‌اند. شرکت‌هایی مانند آمازون، گوگل، تسلا و مایکروسافت زمانی استارت‌آپ‌هایی کوچک‌و ریسک‌پذیر بودند که با ورود به بازار سرمایه، به غول‌های اقتصادی جهان تبدیل شدند.

او ادامه داد: امروز، حضور استارت‌آپ‌ها در بورس‌های معتبر نه تنها امری عادی، بلکه ضرورتی استراتژیک تلقی می‌شود. فقط در سال ۲۰۲۴، نزدیک به ۴۴ درصد از عرضه‌های اولیه در بازار سرمایه آمریکا متعلق به شرکت‌هایی بود که پشتوانه سرمایه‌گذاری جسورانه داشتند. این رقم، گویای تغییری عمیق در فهم کارکرد بورس در اقتصادهای مدرن است؛ از نهادهی نظارتی و سنتی به بازیگری پیشرو و پشتیبان نوآوری. این فعال حوزه استارت‌آپ اظهار کرد: در منطقه خاورمیانه نیز روند مشابهی در جریان است. بورس‌های دبی، ابوظبی و استانبول با اتخاذ سیاست‌های تسهیل‌گر، موفق شده‌اند استارت‌آپ‌هایی مانند Trendyol، Careem، Hepsiburada را به بازار سرمایه بیاورند؛ شرکت‌هایی که نه تنها ارزآور و اشتغال‌زا هستند، بلکه نماینده نسل جدیدی از کسب‌وکارهای فناوری و مشتری‌محور محسوب می‌شوند.

سمساریلر توضیح داد: در ایران اما با وجود شکوفایی نسبی اکوسیستم دیجیتال و ظهور برندهای بومی چون دیجی کالا، دیوار، تپسی، علی‌بابا و آپارات، ورود این شرکت‌ها به بورس با چالش‌هایی اساسی روبه‌روست. ماجرای ورود تپسی، بازنگری ساختاری دیجی کالا و ردصلاحیت بنیان‌گذار دیوار، همه حاکی از ناسازگاری میان منطق نوآوری و سازوکارهای سنتی بازار سرمایه است. این اتفاقات، سیگنالی هشدارآمیز برای کارآفرینانی است که می‌خواهند در داخل کشور بمانند و بسازند، اما از مسیر رشد رسمی کنار گذاشته می‌شوند.

او تشریح کرد: یکی از موانع بنیادین در این مسیر، موضوع ارزش‌گذاری دارایی‌های نامشهود است. استارت‌آپ‌ها در مراحل اولیه، دارایی‌های فیزیکی قابل توجهی ندارند و ارزش آن‌ها عمدتاً در فناوری، تیم، برند، داده و مدل کسب‌وکار نهفته است. اما سازوکارهای فعلی بورس در ایران، هنوز آمادگی کافی برای سنجش دقیق این مؤلفه‌های غیرملموس را ندارند. نبود مدل‌های به‌روز ارزش‌گذاری، نگاه محافظه‌کارانه به مالکیت فکری و ناآشنایی با ماهیت دارایی‌های دیجیتال، موجب می‌شود ارزش واقعی این شرکت‌ها نادیده گرفته شود یا به‌شکل ناعادلانه‌ای کاهش یابد. این خلأ، نه تنها فرآیند پذیرش را دشوار و طولانی می‌کند، بلکه می‌تواند منجر به خروج نخبگان و سرمایه‌گذاران از اکوسیستم نوآوری کشور شود. سمساریلر تأکید کرد: در چنین شرایطی، حذف یا تضعیف بنیان‌گذاران استارت‌آپ‌ها به بهانه‌ی الزامات قانونی یا مالکیتی، می‌تواند انگیزه نسل جوان را برای ماندن و ساختن به‌شدت تضعیف کند. این رویکرد، در عمل به از دست رفتن فرصتی تاریخی برای تعمیق بازار سرمایه، افزایش شفافیت، جلب اعتماد عمومی و پیوند میان اقتصاد سنتی و دیجیتال خواهد انجامید.

این فعال حوزه استارت‌آپ متذکر شد: سیاست‌گذار باید بداند که تصمیم درباره شرکت‌هایی چون دیوار و دیجی کالا، فقط یک مسئله فنی یا حقوقی نیست؛ بلکه مسئله‌ای استراتژیک درباره مسیر آینده اقتصاد کشور است. مسیر درست، نه در حذف کارآفرینان، بلکه در توانمندسازی آن‌ها نهفته است. بازار سرمایه اگر می‌خواهد بازیگر عصر اقتصاد دیجیتال باشد، باید از رویکرد سلبی و محافظه‌کارانه فاصله گرفته و به‌نهادی تسهیل‌گر، همراه و آینده‌نگر تبدیل شود.

سمساریلر در نهایت گفت: اکنون زمان آن رسیده که سازوکارهای پذیرش و ارزش‌گذاری شرکت‌های نوآور در بورس ایران مورد بازنگری اساسی قرار گیرد. مسیرهای شفاف، قابل پیش‌بینی و منصفانه‌ای باید برای حضور استارت‌آپ‌ها در بازار سرمایه طراحی شود؛ مسیرهایی که نه تنها سرمایه‌گذاران را جذب کند، بلکه اعتماد کارآفرینان را نیز حفظ نماید. در غیر این صورت، سکوت این نسل سازنده، پیامدهای بلندمدتی برای آینده اقتصادی کشور در پی خواهد داشت.

▼ اهمیت حفظ استقلال بورس

فردین آقازیری، فعال و کارشناس بورس

نیز در خصوص شرایط ورود به بورس در گفت‌وگو با «هم‌میهن» اظهار کرد:

صلاحیت رسیدگی به وضعیت

استارت‌آپ‌ها، شرکت‌های دانش‌بنیان و کسب‌وکارهای نوپا برای ورود به بازار سرمایه، بر عهده هیئت‌های پذیرش و ارکان قانونی بازار سرمایه است. اما در برخی موارد، تصمیماتی خارج از دایره تخصص و کارشناسی اتخاذ می‌شود که به‌اصطلاح «مصلحت‌اندیشی» نام می‌گیرند؛ تصمیماتی که می‌توانند ضربه‌های جدی به شفافیت و کارکرد اقتصادی بازار وارد کنند. وی بیان کرد: این وضعیت بی‌شباهت به جمله معروف محمدجواد ظریف وزیر خارجه پیشین نیست که گفته بود: «در کشور ما میدان بر دیپلماسی می‌چربد». اکنون می‌توان گفت گاهی میدان امنیتی و ملاحظات بیرون از اقتصاد، بر منطق اقتصادی می‌چربد. اگر چه در مورد دلایل مشخص ردصلاحیت برخی مدیران استارت‌آپی اطلاع دقیقی نداریم، اما واقعیت این است که یکی از آفت‌های اصلی در اقتصاد ایران، همین مداخلات از سوی نهادهایی است که در نظر داشتن منطق اقتصادی یا تخصص کارشناسی، تصمیمات نهایی را اتخاذ می‌کنند.

به گفته این فعال حوزه بازار سرمایه، رد در خواست‌هایی مانند ورود به بورس، اگر نه بر پایه منطق مالی و تخصصی، بلکه به واسطه نگاه‌های بیرونی باشد، نه تنها به بازار سرمایه لطمه می‌زند، بلکه به شکل گسترده‌تری موجب تضعیف اکوسیستم فناوری، ناامیدی سرمایه‌گذاران و کاهش انگیزه نوآوری در کشور می‌شود. این روند، گزینش‌هایی را به بازار تحمیل می‌کند که اثرات مخرب آن بر اعتماد عمومی و پایداری سرمایه‌گذاری در بلندمدت پدیدار خواهد شد.

این فعال بورسی خاطرنشان کرد: تجربه بازارهای مالی در جهان نشان می‌دهد که استارت‌آپ‌ها و شرکت‌های حوزه فناوری، نقش محوری در رشد اقتصادی و بازار سرمایه دارند. نادیده گرفتن آنها یا به تأخیر انداختن پذیرش‌شان در بورس، صرفاً به بهانه‌هایی غیرکارشناسی، نشانه‌ای از ضعف سیاست‌گذاری است و ما را از مسیر توسعه و رقابت جهانی دور می‌کند.

آقازیری گفت: سازمان بورس به عنوان یک نهاد عمومی غیردولتی، باید از استقلال حرفه‌ای خود صیانت کند. مهم‌ترین واکنش در برابر فشارهای بیرونی، تأکید بر مرزهای تخصصی و حفظ جایگاه قانونی این نهاد است. تصمیم‌گیری درباره صلاحیت شرکت‌ها برای ورود به بورس باید بر اساس شاخص‌های فنی، مالی و شفافیت باشد. ورود ملاحظات غیرتخصصی به این فرایند، تنها اعتبار بازار سرمایه را خدشه‌دار می‌کند. در شرایط فعلی، استقلال، صراحت و پایبندی به اصول کارشناسی، مهم‌ترین ابزار سازمان بورس برای حفظ اعتماد و کارکرد سازوکارهای بازار است.

موضع بانک مرکزی

تنظیم‌گری رمزپول در صلاحیت بانک مرکزی

قانونی است. از سوی دیگر، بر اساس ماده (۳۷) همان قانون، فعالیت خارج از ضوابط تعیین شده توسط بانک مرکزی جرم است. از آنجا که بخش عمده‌ای از فعالان این کسب و کار را جوانان نوآور و علاقه‌مند به پیشرفت اقتصادی کشور تشکیل می‌دهند، بانک مرکزی تاکنون از ظرفیت این ماده استفاده نکرده و تلاش در حل مسئله از طریق تعامل و اقناع داشته است. سیاست‌گذار پولی و ارزی کشور خود را متعهد به تسهیل فعالیت کسب و کارهای سالم و قانونی کشور می‌داند و مقررات در حال تدوین بانک نیز در همین راستا هستند. با این حال، انتظار از نوآوران فعال در عرصه رمزپول‌ها آن است که در همکاری با معاونت فن‌آوری‌های نوین بانک مرکزی در حفاظت از اطلاعات و دارایی‌ی مردم و جلوگیری از بروز بر خی اقدامات مجرمانه از طریق اجرای ضوابط قانونی جاری کشور بکوشند.

نگاه کارشناس ۲/

بندر شهید رجایی؛ بازگشت به ریل تجارت



امیررضا اعتمادی

کارشناس اقتصادی

حادثه انفجار مهیب در بندر شهید رجایی بندرعباس در اردیبهشت ۱۴۰۴ را می‌توان یکی از تلخ‌ترین و در عین حال هشداردهنده‌ترین وقایع اقتصادی و لجستیکی سال‌های اخیر دانست؛ انفجاری که نتنها ده‌ها کشته و صدها زخمی بر جای گذاشت، بلکه قلب تپنده تجارت خارجی ایران را نیز برای مدتی از کار انداخت. بندر شهید رجایی به عنوان بزرگ‌ترین بندر تجاری کشور، جایی است که بیش از ۸۰ درصد بار کانتینری و بیش از نیمی از صادرات و واردات غیرنفتی ایران از آن عبور می‌کند. از همین رو، هر بحران یا اختلالی در این بندر، مستقیماً بر اقتصاد ملی، معیشت مردم و جایگاه ژئواکونومیک ایران در منطقه اثر می‌گذارد. انفجار در بخش کانتینری بندر شهید رجایی در ششم اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۴، از یک محموله پرخطر که بدون رعایت استانداردهای ایمنی در انبار دیو شده بود، آغاز شد. شدت حادثه چنان بود که به فاصله چند دقیقه بخش وسیعی از محوطه کانتینری و سوله‌های مجاور را دربر گرفت. بنا بر گزارش‌ها، حدود ۷۰ نفر جان خود را از دست دادند و بیش از ۱۲۰۰ نفر مصدوم شدند. علاوه بر خسارات انسانی، تجهیزات بارگیری، اسکله‌ها، جرثقیل‌های کانتینری و بخش قابل توجهی از تأسیسات پشتیبانی بندر نیز آسیب دیدند. برای درک عمق این حادثه، باید به جایگاه بندر رجایی در تجارت خارجی کشور نگاه کرد. این بندر سالانه بیش از ۸۰ تا ۹۰ میلیون تن کالا را جابه‌جا می‌کند و عملاً شاره اصلی مبادلات بازرگانی ایران است. در سال ۱۴۰۳، بیش از دو میلیون و ۲۶۰ هزار TEU عملیات کانتینری در این بندر انجام شد؛ آماری که بندر رجایی را در رتبه‌بند بزرگ منطقه قرار می‌دهد. این بندر علاوه بر صادرات کالاهای صنعتی، معدنی و پتروشیمی، نقش بی‌بدلی در واردات کالاهای اساسی نظیر غلات، روغن، شکر و مواد اولیه صنایع دارد. بنابراین کوچک‌ترین اختلال در عملکرد آن، بلافاصله در بازار داخلی و چرخه تولید کشور قابل مشاهده است. در ساعات اولیه پس از انفجار، تمامی فعالیت‌های بندر متوقف شد. کشتی‌های پهلوگرفته امکان تخلیه و بارگیری نداشتند و بیش از ۲۰۰ فروند کشتی در لنگرگاه بندرعباس و حتی آب‌های خلیج فارس منتظر ماندند. این توقف کوتاه‌مدت، شوکی فوری به زنجیره تأمین وارد کرد. اما با تلاش‌های گسترده نیروهای امدادی و سازمان بنادر، ظرف کمتر از یک هفته حدود ۹۸ درصد ظرفیت عملیاتی بندر دوباره فعال شد. در نیمه دوم اردیبهشت، کالاهای اساسی در اولویت قرار گرفتند و کشتی‌های حامل گندم، برنج و روغن خوراکی بلافاصله تخلیه شدند تا بازار داخلی دچار بحران نشود. بررسی داده‌های رسمی نشان می‌دهد که در بازه ۱۱ ماهه سال ۱۴۰۳، بندر شهید رجایی بیش از ۲ میلیون و ۲۶۰ هزار TEU کانتینر را جابه‌جا کرده بود. اما در پنج‌ماهه نخست سال ۱۴۰۴، پس از وقوع حادثه، این رقم به حدود ۲۲۰ هزار TEU رسید. همچنین میزان تخلیه و بارگیری کالا در این دوره حدود ۱۱ میلیون تن بوده که کاهش محسوسی نسبت به مدت مشابه سال قبل دارد. به بیان ساده‌تر، هر چند عملیات بندری خیلی زود از سر گرفته شد، اما بازگشت کامل به حجم قبلی مبادلات نیازمند زمان و بازسازی تدریجی اعتمادتجار و شرکت‌های کشتیرانی است. اختلال ایجادشده در بندر رجایی، نه تنها بر جریان داخلی کالا اثر گذاشت، بلکه پیامدهای خارجی نیز به همراه داشت.

برخی خطوط کشتیرانی منطقه‌ای در روزهای پس از حادثه، کشتی‌های خود را به بنادر جایگزین در امارات، عمان و پاکستان هدایت کردند. بندر جبل‌علی (امارات) و بندر صحر (عمان) بلافاصله سهمی از بارهای در انتظار را جذب کردند. این موضوع نشان داد که رقبا به‌سرعت آماده‌اند تا از هر بحران داخلی ایران برای تقویت جایگاه خود بهره‌برداری کنند. برای اقتصاد ایران، این یعنی از دست دادن بخشی از سهم بازار منطقه‌ای و تضعیف موقعیت ژئواکونومیک. در جریان بحران، مسئولان تأکید بر شفافیت بخشش از بارها را به بندر امام خمینی (ره) و چاپهار منتقل کنند. این اقدام نشان داد که ایران باید به‌سمت تنوع‌بخشی به بنادر تجاری حرکت کند. اگر چاپهار و امام خمینی پیش‌تر به ظرفیت کامل تجهیز شده بودند، فشار ناشی از حادثه بسیار کمتر می‌شد. تجربه اخیر به‌وضوح ثابت کرد که تمرکز بیش از حد تجارت کشور بر یک بندر، ریسک بزرگی برای اقتصاد ملی است. پس از حادثه، سازمان بنادر وعده داده سامانه‌های نظارت بر محموله‌ها را به‌روزرسانی کند و سخت‌گیری بیشتری بر ورود کالاهای پرخطر اعمال شود. کارشناسان همچنین پیشنهاد کرده‌اند یک بندر مکمل اضطراری طراحی شود که در زمان بحران بتواند بار بخشی از تجارت را بر عهده بگیرد. آمار نشان می‌دهد هنوز به سطح فعالیت پیش از حادثه بازنگشته‌ایم. آینده این بندر وابسته به چند عامل کلیدی است:

۱. سرعت بازسازی تجهیزات و زیرساخت‌های آسیب‌دیده
۲. اعتماد مجدد خطوط کشتیرانی بین‌المللی به ایمنی بندر
۳. توسعه بنادر مکمل و مسیرهای جایگزین ترانزیتی
۴. سرمایه‌گذاری در سامانه‌های ایمنی و مدیریت بحران
اگر این اقدامات به‌موقع و جدی انجام نشود، ایران در رقابت منطقه‌ای با امارات، عمان و پاکستان سهم بیشتری از تجارت دریایی را از دست خواهد داد. ایران باید هر چه سریع‌تر به سمت تنوع‌بخشی بنادر، ارتقای ایمنی و توسعه کریدورهای بین‌المللی حرکت کند. در غیر این صورت، هر بحران مشابهی می‌تواند تجارت کشور را فلج کند. جایگاه منطقه‌ای ما را به رقبا واگذار کند. حادثه بندر شهید رجایی باید نقطه عطفی برای اصلاحات در ساختار تجارت دریایی ایران باشد؛ فرصتی که اگر از دست برود، پیامدهای آن در سال‌های آینده بسیار سنگین‌تر از امروز خواهد بود.